

Analysis of the Speech Acts in Qur'anic Citations in the Sources during the Safavid Period (A case study of the book "Khuld Barin")

Abdullah Mutavali¹, Reza Mohammadi²

Abstract

This research intends to analyze the speech acts of the Qur'anic citations of the book "Khuld Barin" based on the theory of speech act and in order to answer the question, "Based on this theory, how and to what extent the frequency of each speech act was in the Qur'anic quotations of this source?"

Although valuable works have been carried out on the historiography of the Safavid period, it seems that the topic of speech act analysis in the Qur'anic citations of the sources during the Safavid period has not been mentioned particularly in the book "Khuld Barin".

This research is based on a descriptive-analytical method and quantitative and qualitative data were used. It is observed that most of the speech acts of Qur'anic citations in the book "Khuld Barin" with 34 out of 41 cases with 82.92% are related to declarative actions. Persuasive actions with 7 cases, in other words, with 17.07%, are in the second place among the most citations, and finally, no cases of commitment, emotional and declaratory actions were seen.

In a literary text like Khuld Barin, most of the speech acts are declarative and then persuasive, which can indicate the author's goal to convey information and explain the situation to the reader, as well as trying to influence and persuade the reader or audience to do something or change their attitude. This type of speech acts was observed in the book "Khuld Barin" and its Qur'anic references.

Keywords: Speech act theory, John Searle, Safavid period, the book "Khuld Barin", Qur'anic citations.

1. Associate Professor, Department of History, Arak University, Arak, Iran. a.motevaly@gmail.com

2. Postdoctoral Researcher, Department of History, Arak University, Arak, Iran.

reza.muhammadi90@gmail.com



تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه (مطالعه موردی: کتاب «خلدبرین»)

عبدالله متولی^۱
رضا محمدی^۲

چکیده

هدف: این پژوهش در نظر دارد تا کنش‌های گفتاری استنادات قرآنی کتاب «خلدبرین» را براساس نظریه کنش گفتاری تحلیل کند و به این پرسش پاسخ دهد که بر مبنای این نظریه، استنادات قرآنی این منبع، چگونه و بسامد هرکنش گفتار به چه میزان بوده است؟
پیشینه پژوهش: هرچند کارهای ارزنده‌ای درباره تاریخ‌نگاری دوره صفویه صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد که به موضوع تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه با تأکید بر کتاب «خلدبرین» اشاره نشده است.

روش پژوهش: این پژوهش براساس روش توصیفی-تحلیلی است و از داده‌های کمی و کیفی استفاده شده است.

یافته‌ها: بیشترین کنش گفتاری استنادات قرآنی کتاب «خلدبرین» با تعداد ۳۴ مورد از ۴۱ مورد با ۸۲/۹۲ درصد، مربوط به کنش‌های اظهاری است. کنش‌های ترغیبی با ۷ مورد به تعبیری با ۱۷/۰۷ درصد در مقام دوم از بیشترین استنادات قرار دارند و در نهایت هیچ موردی از کنش‌های تعهدی، عاطفی و اعلامی دیده نشد.

نتایج: وقتی در متنی چون کتاب خلد برین، بیشتر کنش‌های گفتاری از نوع اظهاری و سپس ترغیبی است، می‌تواند نشان‌دهنده هدف نویسنده برای انتقال اطلاعات و تشریح اوضاع به خواننده باشد و همچنین تلاش برای تأثیرگذاری و ترغیب خواننده یا مخاطب به انجام کاری یا تغییر نگرشی. این نوع از کنش‌های گفتاری در کتاب «خلدبرین» و استنادات قرآنی آن مشاهده شد.

واژگان کلیدی: نظریه کنش گفتاری، جان سرل، دوره صفویان، کتاب «خلدبرین»، استنادات قرآنی.

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اراک، اراک، ایران. a.motevaly@gmail.com

۲. پژوهشگر پسا دکنترای گروه تاریخ، دانشگاه اراک، اراک، ایران. reza.muhammadi90@gmail.com



۱. مقدمه و بیان مسئله

تاریخ‌نگاری دوره صفویه یکی از جنبه‌های مهم فرهنگی و ادبی ایران است که نشان‌دهنده تحولات عمیق در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در آن دوران است. در این دوره، تاریخ‌نگاری، ابزاری برای ثبت وقایع و تبیین هویت ملی و مذهبی، مورد توجه قرار گرفت. صفویان با تأسیس دولتی مرکزی و ترویج شیعه دوازده‌امامی با عنوان مذهب رسمی، زمینه‌ساز تغییرات بنیادین در ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران شدند.

تاریخ‌نگاران صفوی با حمایت‌های دولتی، به ثبت وقایع تاریخی، پادشاهی و سلسله‌ای پرداختند. این دوره شاهد رونق تاریخ‌نگاری بود و مورخان با نگارش تواریخ متعدد، تلاش کردند تا تصویری جامع از حکومت و جامعه صفوی را ارائه دهند. تاریخ‌نگاری صفویه، نه تنها به ثبت وقایع محدود نمی‌شد، بلکه در برخی موارد به تبیین و توجیه اقدامات حکومتی و مشروعیت‌بخشی به سلطنت صفویان نیز می‌پرداخت.

تاریخ‌نگاری این دوره، ادامه سنت تاریخ‌نگاری ایرانی از دوره باستان تا صفویه و بعدها قاجار بود، اما تعیین مذهب شیعه با عنوان مذهب رسمی کشور در این دوره، بر نوع اندیشه تاریخ‌نگاری آن نیز تأثیر گذاشت. مورخان در این دوره با ادامه روش تاریخ‌نگاری تیموری، اما با تأکید بر حقانیت مذهب تشیع، آثار مکتوب فراوانی از خود برجای نهادند. از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری دوره‌های قبل و به تبع آن، دوره صفویه، استفاده و استناد به آیات قرآن در مواضع مختلف بوده است.

مؤلفان در دوره صفویه، از آیات قرآن در جای‌جای مباحث، به مناسبت‌های سیاسی، مذهبی، نظامی و اجتماعی استفاده می‌کردند و در تبیین مسائل تاریخی به آیات قرآن توجه زیادی داشتند (آرام، ۱۳۸۶: ۳۲۱). در دوره صفوی، استفاده از آیات قرآن در تاریخ‌نگاری با محوریت اندیشه صوفی-شیعی ادامه داشت و چه به لحاظ تعداد و چه به لحاظ نوع، از کاربرد فراوانی نسبت به منابع پیش از خود برخوردار بود. به نظر می‌رسد که دلایل این امر را علاوه بر انداز و تحذیر (لاهیجی، ۱۳۵۲: ۱۹) و اتکای تاریخ‌نویسی کلام‌انگاران به منابع معرفت‌شناختی همچون عقل و نقل معتبر، قدرت نفی و اثبات محکم باید در کنه چنین رویکردی مشاهده نمود. هواخواهان و مخالفان صفویان کوشیدند با بهره‌گیری از چنین روشی، ضمن تأیید و اثبات گرایش‌های سیاسی و عقیدتی خود، مبانی مشروعیت‌بخش مذهبی این دولت را اثبات یا رد کنند. موضوع هسته اصلی روایات، نقش مهمی



در نوع روش به کار گرفته شده داشت (قاسمی و بنشاخته، ۱۴۰۰: ۱۰۵).

این پژوهش در نظر دارد تا با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آیات قرآن در منابع عصر صفویان با تأکید بر نظریه کنش گفتاری بپردازد؛ برای این اساس، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است که براساس نظریه کنش گفتاری، استنادات قرآنی کتاب «خلدبرین» چگونه است و بسامد هر کنش گفتار به چه میزان بوده است؟

درباره پیشینه پژوهش باید چنین گفت که هرچند کارهای ارزنده‌ای درباره تاریخ‌نگاری در دوره صفویه صورت گرفته است؛ اما به نظر می‌رسد که با عنوان تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه (مطالعه موردی کتاب «خلدبرین») اشاره نشده است. اما برخی از عناوین بی‌ارتباط با موضوع این پژوهش نیست؛ به طور مثال:

مقاله‌ای با عنوان «تحلیل کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی منابع دوره صفویه (مطالعه موردی: تاریخ ایلچی نظام شاه)» به قلم علی غفرانی، رضا محمدی و آسیه حسینی (۱۴۰۲) به چاپ رسیده است. نویسندگان در این پژوهش نشان داده‌اند، هنگامی که کنش‌های اظهاری بیشترین بسامد را در متن داشته باشند، نشانه آن است که نویسنده قصد دارد به صورت شفاف و مستقیم، حقایق و اطلاعات را به خواننده منتقل کند. این نوع کنش گفتاری در متون علمی، تاریخی، خبری و آموزشی بسیار رایج است.

عبدالله متولی (۱۳۹۱) در مقاله دیگری با عنوان «بازتاب رویکردهای مذهبی در مراسلات عصر صفوی» تنها به کارکرد آیات و روایات در مراسلات عصر صفوی پرداخته است.

«اسکندربیک ترکمان و آیه‌نگاری اش در عالم‌آرای عباسی» عنوان مقاله عظیمه پاینده و علی‌اکبر جعفری (۱۳۹۷) است که نویسندگان در این مقاله به تاریخ‌نگاری در عصر صفویه، سبک و ویژگی‌های فکری و فرهنگی تاریخ‌نگاری این دوره پرداخته‌اند و آیه‌نگاری در تاریخ‌نویسی ایران در دوره اسلامی را معرفی و پیشینه آن در تاریخ‌نگاری را بررسی می‌کنند.

مقاله «تأثیر عناصر کلامی در بینش و روش تاریخ‌نویسی دوره صفویه» از علی قاسمی و محمد بنشاخته (۱۴۰۰) به چاپ رسیده است و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، تاریخ‌نگاری که بر پایه کلام و منطق استوار است، به دلیل تکیه بر منابع معتبر عقلی و روایی، توانایی قاطع در رد یا تأیید مسائل را دارد. طرفداران و منتقدان حکومت صفوی از این رویکرد بهره بردند تا با تأکید بر دیدگاه‌های



سیاسی و مذهبی خود، به اثبات یا نفی مشروعیت دینی حاکمیت بپردازند. موضوع هسته اصلی روایات، نقش مهمی در نوع روش به کار گرفته شده داشت. مقاله «تحلیلی بر رویکرد مذهبی تاریخ‌نگاری صفوی از جنگ‌های شیوخ صفوی؛ روایتی مقدس از جنگ‌هایی مقدس» از محمود مهمان‌نواز و علی اعتصامی (۱۳۹۹) است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شکست و پیروزی در جنگ‌های این دوره، بار حماسی به خود گرفته، اما این حماسه‌سرایی‌ها رنگ و بوی اعتقادی و مذهبی دارند نه ملی. تاریخ‌نگاری صفوی، به واقع، روایتی مقدس از جنگ‌هایی مقدس ارائه نموده که هر رخدادی (چه پیروزی و چه شکست) در بافتاری از تقدس‌گرایی، مورد ارزیابی قرار گرفته است. در همین راستا، مورخان صفوی از تعابیر قرآنی و حدیثی و همچنین ایجاد شباهت میان رهبران طریقت صفوی و ائمه معصومین علیهم‌السلام برای بیان و روایت این جنگ‌ها استفاده نموده‌اند.

۲. نظریه کنش‌گفتاری

نظریه کنش‌گفتاری یک نظریه در زبان‌شناسی و فلسفه زبان است که به بررسی رابطه بین زبان و عمل می‌پردازد. این نظریه از آن جهت مهم است که نشان می‌دهد، گفته‌های ما نه تنها بیانگر معنا و اطلاعات هستند، بلکه می‌توانند کنش‌هایی را در جهان خارج از زبان ایجاد کنند. بسیاری از فیلسوفان و زبان‌شناسان نظریه کنش‌گفتار را در جایگاه راهی برای درک بهتر ارتباطات انسانی مطالعه می‌کنند (کرملین، ۲۰۰۲).

نظریه کنش‌گفتاری را اولین بار فیلسوف انگلیسی، جان لنگشاو آستین، در کتاب «چگونه چیزها را با کلمات انجام می‌دهیم» مطرح کرد (آستین، ۱۹۷۵). وی در این اثر، میان اظهاراتی که اخباری اند^۱ و اظهاراتی که انشایی اند^۲، تمایز قابل شد. اظهارات اخباری از سنخ گفتارند، ولی اظهارات انشایی از سنخ فعل. در حالی که اظهارات اخباری ممکن است صادق یا کاذب باشند، اظهارات انشایی صدق و کذب‌پذیر نیستند، بلکه بسته به اینکه به صورت درست، صادقانه و کامل انجام شوند یا نه، مناسب^۳ یا نامناسب^۴ خواهند بود؛ بنابراین، از نظر آستین، به جای اینکه گزاره را بر حسب صدق‌پذیری و کذب‌پذیری تقسیم کنیم، باید بر حسب اینکه از سنخ

1. Constative.
2. Performative.
3. Felicitous.
4. Infelicitous.

گفتار^۱ است یا فعل و کردار^۲، تقسیم کنیم (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۹۵-۹۶).

پس از آستین، فیلسوف آمریکایی، جان راجرز سرل، نظریه کنش گفتاری را توسعه داد و طبقه‌بندی پنج‌گانه‌ای برای کنش‌های گفتاری ارائه کرد: کنش‌های اظهاری، کنش‌های عاطفی، کنش‌های ترغیبی، کنش‌های تعهدی و کنش‌های اعلامی.

کنش اظهاری^۳: در این کنش گفتارها، گوینده عقیده خود را درباره صحت و سقم مطلبی اظهار می‌دارد. (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۷۷). کنش‌های اظهاری در قرآن کریم، بیشترین فراوانی را دارند و در بسیاری از سوره‌ها و آیات یافت می‌شوند.

کنش تحریکی یا ترغیبی^۴: هدف از کنش گفتاری ترغیبی، ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن وی در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است.

کنش التزامی یا تعهدی^۵: هدف و نکته اصلی در این کنش گفتار، آن است که گوینده با اظهار جمله، خود را (با درجات متفاوت) برای انجام دادن عملی در آینده متعهد می‌کند.

کنش ابرازی یا عاطفی^۶: کنش‌هایی هستند که در آن‌ها حالت روحی و روانی و احساسات گوینده بیان می‌شود. گوینده احساس خود را از طریق قدردانی کردن، تشکر کردن، عذرخواهی کردن، تبریک گفتن، ناسزا گفتن و مانند آن بیان می‌دارد.

کنش اعلامی یا اعلانی^۷: کنش گفتار اعلامی، اعلام شرایط تازه برای مخاطب است. گوینده با اعلام‌های خود، تغییرات جدید را ایجاد می‌نماید. این کنش بر انطباق زبان و جهان خارج استوار است و زمانی اتفاق می‌افتد که گوینده قدرت و صلاحیت بیان اتفاقات جدید را داشته باشد (عابدینی، ۱۳۹۹: ۵۲-۵۳).

این‌ها ابزارهای زبانی معینی هستند که این قابلیت را دارند تا به صراحت کنش گفتار مورد نظر را افاده کنند. «فعل‌های کنش گفتار»، مانند «تبریک گفتن»، «اصرار کردن»، «هشدار دادن» یا «خواستن»، می‌توانند مشخص کنند که کدام کنش گفتار به کار می‌رود. ساختی مانند «من قول می‌دهم» یا «من تو را می‌بخشم»، بار منظوری را که گوینده، به واقع، ایفا می‌کند، نشان می‌دهند؛ به این ترتیب است که این‌ها «گفته‌های کنشی» خوانده می‌شوند، زیرا در اول شخص مفرد، اظهاری،

1. Saing.
2. Doing.
3. Assertive.
4. Directives.
5. Commissives.
6. Expressives.
7. Declarations.



فعل زمان حال و اخباری، فعال واقع می‌شوند. اغلب، قید «بدین وسیله» می‌تواند اضافه شود؛ علاوه بر این، بار منظوری، اشاره بر ابزارهایی دارد که آن‌ها نیز می‌توانند به کار روند؛ برای مثال، اداتی مانند «لطفاً» برای تقویت یک درخواست، این کنش را به همان خوبی عملی می‌کند که سه گونه جمله اصلی؛ یعنی خبری، استفهامی و امری (ر.ک: نورگوا، ۱۳۹۴)

مهمترین بخش تئوری کنش گفتاری مباحث مربوط به کنش‌های گفتاری غیرمستقیم است. کنش گفتاری غیرمستقیم زمانی تحقق می‌یابد که جمله‌ای که حاوی شاخصه توان منظوری یک کنش گفتاری است، برای تحقق دادن به کنش منظوری دیگری استفاده شود (دست‌آموز و محمدی، ۱۳۹۵: ۴۳) کنش‌های گفتاری که مانند جملات هستند، ممکن است همچون درخواست عمل کنند و کنش‌های گفتاری که مانند اعلان‌ها هستند، ممکن است مانند یک هشدار یا تهدید عمل کنند. در کنش‌های گفتار غیرمستقیم، گویندگان کنش گفتار (کنش اولیه) را با کنش گفتار دیگر (کنش ثانویه) اعمال می‌کنند. هر دو کنش گفتار باید برآورد و ارزیابی شوند و تنها هنگامی می‌توان آن‌ها را فهمید که به صورت دو جمله متقابل که یکی به دیگری وابسته است، محسوب شوند. مجدداً این کنش‌های گفتار غیرمستقیم ممکن است بسیار قراردادی و متکی بر اصول مشارکت زبانی باشند و نقشی حیاتی در ارزیابی ادب زبانی ایفا کنند. نمونه واضح، درخواستی ساده، مانند «می‌شود لطفاً نمک را به من بدهید؟» خواهد بود. این درخواست بیشتر شنونده را وامی‌دارد تا نمک را به گوینده بدهد تا اینکه در پاسخ بگوید «بله» (ر.ک: نورگوا، ۱۳۹۴).

در کنش گفتاری غیرمستقیم، گوینده جمله‌ای را بیان می‌کند که علاوه بر محتوای ظاهری، از محتوای دیگری نیز برخوردار است. به نظر جان سرل، هنگامی که از گفتارهای غیرمستقیم استفاده می‌کنیم، کلام ما کاربرد تحت‌اللفظی خود را حفظ می‌کند و منظور اصلی گوینده از طریق یک سری استدلال‌های منطقی درک می‌شود. این استدلال بر مبنای پیش‌زمینه‌های دانش زبانی و یا غیرزبانی مخاطب صورت می‌گیرند که از آن جمله، می‌توانیم به دانستن آداب گفتاری اشاره کنیم (دست‌آموز و محمدی، ۱۳۹۵: ۴۳). در نتیجه، کنش‌های گفتاری که مانند جملات هستند، ممکن است همچون درخواست عمل کنند و کنش‌های گفتاری که مانند اعلان‌ها هستند، ممکن است مانند یک هشدار یا تهدید عمل کنند. در کنش‌های گفتار غیرمستقیم، گویندگان کنش گفتار (کنش اولیه) را با کنش گفتار دیگر (کنش ثانویه) اعمال می‌کنند؛ برای مثال، آیه «حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»

آل عمران: ۱۷۳) از گونه کنش‌های اظهاری است، اما مخاطب را به عمل کردن ترغیب می‌کند. این آیه در غزوه احد نازل شد (طبری، ۱۳۷۸: ۱/۱۷۹).

۳. معرفی کتاب خلدبرین

«خلدبرین»، کتابی در تاریخ عمومی، به زبان فارسی، از آغاز تا سده یازدهم، تألیف «میرزا محمدیوسف واله اصفهانی»، مورخ، ادیب و دیوانی دوره صفویه است. واله اصفهانی این کتاب را در ایام سلطنت شاه سلیمان اول صفوی (۱۰۷۸-۱۱۰۵) نوشت. او ابتدا قصد داشت کتاب را «حدائق الخلد» بنامد، اما منصرف شد و نام «خلدبرین» را برگزید. خلدبرین در هشت روضه و یک خاتمه تألیف شده است. نام روضه‌های آن عبارت است از: در تاریخ پیامبران و پادشاهان پیش از اسلام؛ در تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و امامان شیعه؛ در تاریخ خاندان اموی و عباسی؛ در تاریخ دودمان‌های هم‌روزگار خلفای عباسی؛ در تاریخ چنگیزخان مغول و خاندان او؛ در تاریخ تیمور و جانشینان او؛ در تاریخ سلسله‌های قراقوینلو و آق‌قوینلو و دیگر بازماندگان تیمور در پادشاهی صفویان. روضه هشتم بیشترین بخش کتاب را شامل می‌شود و دربرگیرنده هفت حدیقه بدین ترتیب است: در سرگذشت شاه اسماعیل اول صفوی (۹۰۶-۹۳۰) و شرح احوال مشاهیر سادات و شعرا و ادیبان؛ در سرگذشت شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴) و شرح احوال امیران و هنرمندان آن دوره؛ در سرگذشت شاهزاده مظفر و شاه اسماعیل دوم (۹۸۴-۹۸۵) و شاهزادگان دیگر؛ در سرگذشت سلطان محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۶)؛ در سرگذشت شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸)؛ در سرگذشت شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲) و در سرگذشت شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷). خاتمه کتاب نیز در شرح حال شاه سلیمان اول صفوی (۱۱۰۵-۱۰۷۷) است (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۵۲/ پیشگفتار محدث، چهارده).

مطالب کتاب ذیل ایام سلطنت هر پادشاه، براساس سال هجری قمری و بیشتر با فصل بهار و عید نوروز، آغاز شده و معمولاً نام ترکی سال‌ها نیز آمده است. سپس، رویدادهای مهم آن سال، گاهی با ذکر روز و ماه، شرح داده شده و مؤلف هرکدام از پادشاهان صفوی را با یکی از القاب معروف آنها نام برده است. واله اصفهانی از منابع پیش از خود بهره برده و در بسیاری موارد، اثرش استنساخی از آن آثار است؛ به‌ویژه، از «نفحات الانس»، «ظفرنامه یزدی»، «تاریخ عالم‌آرای عباسی»، «فتوحات شاهی» از ابراهیم امینی هروی، «صفوة الصفا»، «حبیب‌السیر»، «احسن‌التواریخ»، «ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی»، «عباسنامه» و به‌طور غیرمستقیم از «خلاصة‌التواریخ»، تألیف قاضی احمد منشی قمی. وی در بیان



حوادث عصر خویش از مشاهدات شخص، شنیده‌های خود و اطلاعات درباری مدد گرفته است و در تدوین اثرش از ذکر مأخذ و منابع خودداری کرده؛ از این رو به او انتقاد شده است. باین همه، این کار از ارزش کتاب نمی‌کاهد. «خلدبرین» علاوه بر دارا بودن اطلاعات تاریخی، مطالبی را به ذکر امیران، سادات، مشایخ، علما و هنرمندان اختصاص داده است (همان: ۳۲۲، ۳۰۵/۶، ۴۸۵-۴۰۶). واله اصفهانی با توجه به منصبش در امور دیوانی و علاقه به علم و هنر و دسترسی به منابع مورد نیازش، حوادث نزدیک به زمان خود را با تفصیل بیشتری نوشته و جانب‌داری وی از صفویه و نیروهای قزلباش آشکار است. نثر کتاب با توجه به شیوه نگارش آن دوره و اینکه مؤلف در شعر و ادبیات دستی داشته، کمی پیچیده و سنگین است. همچنین سروده‌هایش را به مناسبت‌هایی در جای جای کتابش، اضافه کرده است (همان: ۵۷۶، ۷۴۵ و دانشنامه جهان اسلام، واژه خلدبرین).

۴. بافت و زمینه تاریخی استنادات قرآنی «خلدبرین»

استنادات قرآنی در کتاب «خلدبرین» از ابتدای شکل‌گیری دودمان صفوی تا روی کار آمدن شیخ جنید^۱، شامل آیاتی است که کنش گفتاری اظهاری دارند. آیاتی چون: «وَجَعَلْنَا كُرْسُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید» (حجرات/۱۳)؛ «الْأَيْنَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند» (یونس/۶۲)؛ «إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ: همان شهری که مانندش در شهرها آفریده نشده بود.» (فجر: ۸)؛ «وَأَنْبَعَثْ مَلَأَ أَبَائِي إِبرَاهِيمَ: من از آیین پدرانم، ابراهیم... پیروی کردم» (یوسف/۳۸) (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۵-۲۱-۳۲-۴۴-۴۷).

از زمان شیخ جنید (۸۳۱-۸۶۴ ق / ۱۴۲۸-۱۴۶۰ م) آیات به رویکرد جهادی تغییر یافت؛ چراکه جنگ‌های زمان او نخستین اقدامات نظامی خاندان صفوی بود. آیاتی چون: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أحياءٌ: و به آنها که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگوئید، بلکه آنان زنده‌اند» (بقره/۱۵۴)؛ «تَوْتِي الْمَلَكُ مَنْ شَاءَ وَتَنْزِعُ الْمَلَكُ مَنْ شَاءَ» به هرکس بخواهی، حکومت می‌بخشی؛ و از هرکس

1. <https://reh.ac.ir/article/Details/8711> .

۲. جنید، شیخ (ح ۸۳۱ - مق ۸۶۴ ق / ۱۴۲۸-۱۴۶۰ م)، چهارمین نسل از اولاد شیخ صفی‌الدین اردبیلی در مسند ارشاد طریقت اردبیل، و کوچک‌ترین پسر شیخ ابراهیم مشهور به شیخ شاه (پیرزاده، ۶۵-۶۶ قس: III، ۲۴۲ / IA، که اشتباهاً بزرگ‌ترین پسر شیخ ابراهیم نامیده شده است) (دایره المعارف زنگ اسلامی. ذیل واژه شیخ جنید <https://www.cgie.org.ir/fa/article/223469>)

بخواهی، حکومت را می‌گیری» (آل عمران/ ۲۶)؛ «كَانَهُمْ حُرٌّ مُسْتَعْتِرَةً فَوَثَّ مِنْ قَسْوَرَةٍ: گویی گورخرانی رمیده‌اند که از (مقابل) شیری فرار کرده‌اند!» (مدثر: ۵۰-۵۱)؛ «وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بَصْرَهٗ مِنْ شِئَاءٍ: و خداوند، هرکس را بخواهد (و شایسته بداند)، با یاری خود، تأیید می‌کند» (آل عمران/ ۱۳)؛ «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ: این فضل خداست که به هرکس بخواهد (و شایسته بداند)، می‌بخشد؛ و خداوند صاحب فضل عظیم است» (جمعه/ ۴)؛ «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا: (ای رسول ما غم مدار که) البته ما تو را به فتح آشکاری فیروز می‌گردانیم (که نه بس شهر مکه، بلکه شهر دل‌های اهل عالم را فتح کنی)» (فتح/ ۱)؛ «أَيُّمَاتُكُمْ يُؤَايِدُكُمْ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيِّعٍ: هر جا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد؛ هر چند در برج‌های محکم باشید.» (نساء/ ۷۸)؛ «وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا: و خدا تو را به نصرتی با عزت و کرامت یاری کند» (فتح/ ۳)؛ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ: و هرکس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند» (طلاق/ ۳)؛ «وَقَدَّتْ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبُ: و در دل‌های شان رعب افکند» (احزاب/ ۲۶) (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۵۱-۱۰۲-۱۲۰-۱۰۵-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۷-۱۴۷-۱۸۵-۲۳۴-۲۴۳).

آیه ۵۳ سوره زمر: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید.» از مستندات کتاب است. این آیه به همه انسان‌ها فرمان می‌دهد که به رحمت و بخشش الهی اعتماد داشته باشند و به توبه و اصلاح رفتارهای خود بپردازند و از اسراف و عبور از حدود شرع و اخلاقی دوری کنند. بافت تاریخی این آیه به مشرکان مکه بازمی‌گردد؛ همچنین عبدالله بن عمر می‌گوید که ما فکر می‌کردیم که گناهکاران و فتنه‌گران بخشودنی نیستند و توبه آن‌ها قبول نمی‌شود؛ به‌ویژه، بعد از اینکه آن‌ها از دین اسلام خارج شدند؛ تا اینکه این آیه پس از ورود رسول خدا ﷺ به مکه نازل گردید و دلیل نزول آن این بود که مشرکان می‌گفتند: «محمد ﷺ مدعی است که هرکس به خداوند شرک آورد و خون بی‌حق ریخت، خداوند او را نخواهد بخشید؛ درحالی‌که ما هر دو گناه را انجام داده‌ایم؛ بنابراین ما چه کار کنیم؛ پس چرا پیامبر ما را به اسلام فرا می‌خواند.» سپس این آیه نازل گردید. درکل، مراد خداوند از خطاب به جمله (ای بندگان من)، عموم مسلمین است (رازی، بی‌تا: ۳۸۴۷).

بافت دوم از این آیه در کتاب «خلدبرین»، به محاصره نیروهای صفوی در زمان شاه طهماسب و در ذکر حملات ازبک‌ها و عبور عبید خان ازبک به خراسان، باز می‌گردد. ازبک‌ها هفت ماه هرات را محاصره کرده و کار بر مردم حصار دشوار



گردیده بود. نویسنده کتاب با استناد به آیه «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ»، گویا امید را در دل محصوران زنده می‌کند (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۴۷).

از دیگر آیاتی که می‌توان به آن اشاره کرد، آیه ۲۴۹ از سوره بقره است: «... كَمْ مِنْ قَبْلِهِ قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ قَبْلَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ... چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!». این آیه به موضوع ظفر یک گروه کم جمعیت در برابر یک گروه بزرگ‌تر، به اذن و کمک خداوند، اشاره دارد. این آیه نشان‌دهنده این حقیقت است که تعداد یا قدرت جسمی انسان‌ها تنها ملاک پیروزی نیست، بلکه با اعتماد به خداوند و به کمک او، گروه‌های کوچک و ضعیف نیز می‌توانند بر گروه‌های بزرگ‌تر و قدرتمند ظفر کنند. همچنین نشان‌دهنده قدرت و اراده خداوند در تحولات تاریخی و تشویق انسان‌ها به اعتماد به خداوند و توکل بر او است. خدای تعالی قادر است عده‌ای بسیار قلیل و از نظر روحیه مردمی ناهماهنگ را بر لشکری بسیار زیاد یاری دهد؛ توضیح اینکه تمامی بنی‌اسرائیل از پیامبر خود درخواست فرماندهی کردند و همگی پیمان محکم بستند که آن فرمانده را نافرمانی نکنند و اکثر این جنود نیز در امتحان آب نهر ناکام ماندند و به جز اندکی از آنان در آن امتحان پیروز نشد و آن عده اندک هم هماهنگ نبودند؛ چراکه برخی از آنان آب خوردند.

بافت دوم از این آیه در کتاب به ذکر محاربه قورچیان استاجلو و غریبلر با گیلانیان بازمی‌گردد. در این نبرد، گویا نیروهای قزلباش معدود بودند و گیلانیان فرصت را غنیمت شمرده، به نیروهای قزلباش یورش می‌آوردند و نویسنده کتاب آن نبرد را چنین توصیف می‌کند: «آن فوج قلیل، خود را به کردگار جلیل سپرده منطوق کریمه کَم مِنْ قَبْلِهِ قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ قَبْلَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ را به خاطر آوردند و چون بحر جوشان و سیل خروشان با تیغ و سنان و تیر و کمان روی به دیوساران گیلان نهادند و لشکر گیل فوج فوج به تعجیل از دنبال هم رسیده، حمله می‌کردند و قورچیان شیرشکار، دمار از روزگار ایشان برمی‌آوردند» (همان: ۳۶۴).

از آیات دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، آیه ۳۶ سوره نمل است: «إِنَّ الْمُلُوكَ إِذْ خَلَوْا قَرِيبَةً أَلْقَدُوا وَهَآوَا جَعَلُوا أَعْرَآءَ أَهْلِهِمُ أَذْلًا: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند، آن را به فساد و تباهی می‌کشند». در این آیه، بلقیس، ملکه سبا، در پاسخ به نامه سلیمان، پیامبر خدا، می‌گوید که پادشاهان وقتی به شهری حمله می‌کنند، آن را ویران و اهلس را ذلیل می‌کنند. این آیه نشان می‌دهد که بلقیس از روحیه و رفتار پادشاهان زمان خود آگاه بود و نمی‌خواست کشورش را به خطر بیندازد. این آیه همچنین می‌تواند یک نکته تاریخی و اجتماعی درباره تأثیر

حکومت‌های ستمگر و ظالم بر مردم و ممالک مورد تأمل باشد.

بافت دیگر این آیه در کتاب «خلدبرین» در ذکر لشکرکشی عثمان پاشا، سردار روم، به دیار آذربایجان و تسخیر شهر تبریز بازمی‌گردد. به استناد بسیاری از منابع تاریخی، کشمکش‌های سیاسی و نظامی ایران و عثمانی در عصر صفوی تحت تأثیر نگرش‌های ایدئولوژیک و مذهبی بود. در لابه‌لای متون تاریخی، به ویژه، هنگام بیان لشکرکشی‌ها و جنگ‌های میان دولت‌ها ادبیات متعصبانه مبتنی بر ایدئولوژی، به وضوح به چشم می‌خورد. این منابع تا حدودی منعکس‌کننده جایگاه ایدئولوژی در شکل دادن به مناسبات سیاسی دولت‌ها و گسترش رقابت‌های نظامی میان آن‌هاست (عربخانی، ۱۳۹۱: ۶۳)؛ برای مثال، در خلال تسخیر تبریز، چون به عرض عثمان پاشا رسانیدند که تبریزیان بنا بر تعصب کیش و مذهب، با رومیان نمی‌آمیزند و خون رومیان را می‌ریزند و استحکامات رومیان را که در روز ساخته بودند، هنگام شب ویران می‌ساختند؛ بنابراین عثمان پاشا حکم به قتل عام تبریز داد و واله اصفهانی این ماجرا را چنین توصیف می‌کند: «از این راه ابواب گونه‌گون بلایا و محن بر روی ساکنان آن خطه طرب‌انگیز گشود و بقعه‌ای که کریمه اِرم ذات العِمادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ، از معموری و آبادانی آن خبر می‌داد، روی به خرابی و ویرانی نهاد و آن حکم بیجا به همدستی فرمان قضا در تبریز کاری نکرد که شرح آن خامه مکسوراللسان بوده باشد؛ چه از راه امثال فرمان، رومیان با تیغ‌های آخته به شهر تاختند و مضمون کریمه اِنْ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا عِرْزَةَ أَهْلِهَا أَذًى، را خاطر نشان مردم آن خطه خلدنشان ساختند؛ خانه‌ها خراب شد و دود از دودمان‌ها برآمد و فریاد و فغان نسا و صبیان به گوش آسمانیان رسید و بسیاری از زنان و فرزندان تبریزیان که در آن موج خیز بلا غریق بحر فنا شده بودند، به دست رومیان افتاد و بقیه السیف شب‌ها دست عیال و اطفال خود را گرفته روی فرار به دیار آوارگی نهادند و منازل و مساکن مردم شهر به جاروب نهب و غارت رفته گردیده؛ کار قتل و غارت به جائی رسید که جمعی از رومیان خیرخواه خداآگاه را بر مردم تبریز رحم آمده از عثمان پاشا درخواستند تا در آخر آن روز لشکریان را از قتل و نهب و غارت منع فرمود؛ اما [چون] آن حکم بعد از خرابی بصره و ویرانی تبریز بود، اثری نبخشود (همان: ۷۱۸).

در ادامه، از آنجاکه مجال بررسی تمام آیات وجود ندارد، کنش‌های گفتاری آیات را در جدول بررسی می‌کنیم.

۱. پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند، آن را به فساد و تباهی می‌کشند و عزیزان آنجا را ذلیل می‌کنند.

جدول شماره ۱: آیات و نوع کنش گفتاری مستقیم و غیرمستقیم

آیه مورد استناد	صفحه	کنش‌های گفتاری آیات	کنش گفتارهای غیرمستقیم
«وَأَتُوا الْأَيْتُوتَ مِنْ أَبْوَابِهِنَّ: بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید.» بخشی از آیه ۱۸۹ سوره بقره	۳۱۰	ترغیبی	اعلامی
«وَأَتَيْنَاهُ الْخُكْمَ: ما فرمان نبوت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم.» بخشی از آیه ۱۲ سوره مریم	۵۹	اظهاری	ترغیبی
«وَاتَّبَعَتْ مَلَأَ آبَائِيْ اِبْرَاهِيْمَ: من از آیین پدرانم، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، پیروی کردم.» بخشی از آیه ۳۸ سوره یوسف	۴۷	اظهاری	ترغیبی
«ادْخُلُوْهَا بِسَلَامٍ آمِنِيْنَ: داخل این باغ‌ها شوید با سلامت و امنیت.» آیه ۴۶ سوره حجر	۷۳۳	اظهاری	ترغیبی- تعهدی
«وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ: و هنگامی که بیمار شوم، مرا شفا می‌دهد.» آیه ۸۰ سوره شعراء	۲۷۱-۳۷۴- ۳۸۱	اظهاری	ترغیبی
«إِرْمِ ذَاتَ الْعِمَادِ* الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ: در صورتی که مانند آن شهری (در استحکام و بزرگی و تنعم) در بلاد عالم ساخته نشده بود.» آیات ۷ و ۸ سوره فجر	۴۴-۷۰- ۱۵۳-۱۶۹- ۷۱۸	اظهاری	ترغیبی
«وَأَكْوَابُ مَوْضِعَةٌ: و قدح‌هایی (که در کنار این چشمه) نهاده.» آیه ۱۴ سوره غاشیه	۷۳۳	اظهاری	ترغیبی
«الْإِنِّ وَالْيَاءُ لِلَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ: آگاه باشید (دوستان و) اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند!» آیه ۶۲ سوره یونس	۳۲	اظهاری	ترغیبی
«وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ: و خداوند به سرای صلح و سلامت دعوت می‌کند.» بخشی از آیه ۲۵ سوره یونس	۲۱	اظهاری	ترغیبی
«وَاللَّهُ يُؤْتِي دَبْرَهُ مَنْ يَشَاءُ: و خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، با یاری خود، تأیید می‌کند.» بخشی از آیه ۱۳ سوره آل عمران	۱۲۹-۷۸۲	اظهاری	تعهدی- ترغیبی
«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا: خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید!» بخشی از آیه ۵۸ سوره نساء	۶۵۵	ترغیبی	اعلامی
«إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَتَسَدُّوا: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند، آن را به فساد و تباهی می‌کنند.» بخشی از آیه ۳۴ سوره نمل	۷۱۸	اظهاری	ترغیبی
«إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ: ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم.» بخشی از آیه ۲۶ سوره ص	۵۰۸	اظهاری	اعلامی

آیه مورد استناد	صفحه	کنش‌های گفتاری آیات	کنش گفتارهای غیرمستقیم
«إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا: ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم.» آیه ۱ سوره فتح	۱۳۷	اظهاری	اعلامی- ترغیبی
«وَأَنْ أَوْهِنَ الْيَبُوتَ لَبِثْتُ الْعُنْكَبُوتِ: سست‌ترین بنا خانهٔ عنكبوت است.» بخشی از آیه ۴۱ سوره عنكبوت	۳۵۲	اظهاری	ترغیبی
«وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ: و به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم.» بخشی از آیه ۴۰ سوره بقره	۷۸۴	ترغیبی	اعلامی
«إِنَّمَا تَكُونُوا إِذْ رَكِبْتُمُ الْمَوْتَ: هر جا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد؛ هر چند در برج‌های محکم باشید.» بخشی از آیه ۷۸ سوره نساء	۱۴۷	اظهاری	اعلامی- ترغیبی
«وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شَفَاءٌ: و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم.» بخشی از آیه ۸۲ سوره اسراء	۳۸۰	اظهاری	اعلامی
«تُؤْتِي الْمَلِكَ مِنْ شِئَاءٍ وَتَنْزِغُ الْمَلِكَ مِنْ شِئَاءٍ: به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می‌گیری.» بخشی از آیه ۲۶ سوره آل عمران	۶۷-۱۰۲- ۱۲۰-۳۸۱- ۵۰۷-۵۳۳- ۷۶۳	اظهاری	عاطفی- ترغیبی
«وَجَعَلْنَا كُرْسُومًا وَقَبَائِلَ لِعَارِفُوا: و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.» بخشی از آیه ۱۳ سوره حجرات	۱۵	اظهاری	اعلامی- ترغیبی
«جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ: در بهشت‌هایی برند که زیر درختانش نهرها جاری است.» بخشی از آیه ۲۳ سوره ابراهیم و جاهای دیگر قرآن	۲۲-۱۵۱- ۱۵۳-۳۰۲- ۴۸۳	اظهاری	ترغیبی
«وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَبِهِشتی که وسعت آن، آسمان‌ها است.» بخشی از آیه ۱۳۳ سوره آل عمران	۷۳۳	اظهاری	ترغیبی
«ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ: این (رسالت و نزول قرآن) فضل و کرامت خداست که به هر که بخواهد، می‌دهد.» بخشی از آیه ۵۴ سوره مائده	۱۴-۱۳۰	اظهاری	ترغیبی
«عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ: آنان بر سریرهای زرینت مرصع به انواع جواهر تکیه زنند.» آیه ۱۵ سوره واقعه	۷۳۳	اظهاری	ترغیبی
«وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ: سوگند به آسمان که دارای برج‌های بسیار است.» آیه ۱ سوره بروج	۱۰۸	ترغیبی	اعلامی
«وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ: و فرش‌های پر بها (یا فراش و زنان زیبا).» آیه ۳۴ سوره واقعه	۷۳۳	اظهاری	ترغیبی



آیه مورد استناد	صفحه	کنش های گفتاری آیات	کنش گفتارهای غیر مستقیم
«وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ: و در دلشان (از سیاه اسلام) ترس افکند.» بخشی از آیه ۲ سوره حشر	۲۴۳	اظهاری	ترغیبی
«كَاذِبًا مُّجْرِمًا مِّنْ قَبْلِهِمْ: گویی گور خرابی رمیده اند.» آیه ۵۰ سوره مدثر	۱۰۵	اظهاری	ترغیبی
«كُلٌّ مِّنْ عَلِيَّافَانٍ: هر که روی زمین است، دست خوش مرگ و فناست.» آیه ۲۶ سوره الرحمن	۵۲-۱۳۶-۴۵۱-۴۶۵	اظهاری	تعهدی
«كُرْمٍ مِّنْ قَدِيلَةٍ غَلَبَتْ قُوَّةَ كِبَرَةٍ: چه بسیار شده که گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده.» بخشی از آیه ۲۴۹ سوره بقره	۳۶۴	اظهاری	ترغیبی-تعهدی
«لَا تَقْتُلُوا مَن رَّحِمَةُ اللَّهِ: از رحمت خداوند نومید نشوید.» بخشی از آیه ۵۳ سوره زمر	۳۴۷	ترغیبی	اعلامی
«وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ: و به آنها که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگویید!» بخشی از آیه ۱۵۴ سوره بقره	۵۱	ترغیبی	اعلامی
«وَلَا تَأْسُوا مِن رُّوحِ اللَّهِ: و از رحمت خدا مأیوس نشوید.» بخشی از آیه ۸۷ سوره یوسف	۷۸۴	ترغیبی	اعلامی
«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ: که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم.» آیه ۴ سوره تین	۳۰۰	اظهاری	اعلامی
«مُتَّكِبِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ: این در حالی است که در بهشت بر تخت های زیبا تکیه کرده اند.» بخشی از آیه ۱۳ سوره انسان	۳۰۱	اظهاری	ترغیبی
«وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا: هر کس داخل آن [= خانه خدا] شود، در امان خواهد بود.» بخشی از آیه ۹۷ سوره آل عمران	۳۹۳	اظهاری	تعهدی-اعلامی
«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ: و هر کس بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است.» بخشی از آیه ۳ سوره طلاق	۲۳۴	اظهاری	ترغیبی-تعهدی
«وَمَنْ يُخْرِجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ: و هر کس برای مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود...» بخشی از آیه ۱۰۰ سوره نساء	۴۵۱	اظهاری	ترغیبی
«مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ: هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می شود.» بخشی از آیه ۱۲۳ سوره نساء	۲۹۴	اظهاری	تعهدی-ترغیبی

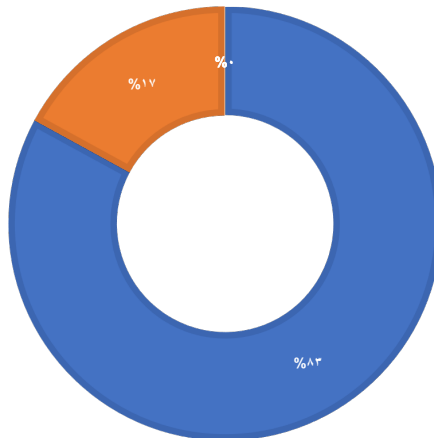
آیه مورد استناد	صفحه	کنش‌های گفتاری آیات	کنش گفتارهای غیرمستقیم
«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ: تَوَاضَعِي رُوحَكَ لِلرَّبِّ غَافِقَةً» آیه ۲۷ سوره فجر	۳۰۱-۴۳۹	اظهاری	اعلامی
«وَيَنْصُرْكَ اللَّهُ تَصَرُّعًا عَزِيزًا» و بیروزی شکست‌ناپذیری نصیب تو کند.» آیه ۳ سوره فتح	۱۸۵	اظهاری	تعهدی

بنابر جدول شماره یک، بیشترین کنش گفتاری استنادات قرآنی کتاب «خلدبرین» با تعداد ۳۴ مورد از ۴۱ مورد با فراوانی ۸۲/۹۲ درصد، مربوط به کنش‌های اظهاری است. کنش‌های ترغیبی با ۷ مورد به تعبیری، با فراوانی ۱۷/۰۷ درصد، در مقام دوم، از بیشترین استنادات، قرار دارند و درنهایت هیچ موردی از کنش‌های تعهدی، عاطفی و اعلامی دیده نشد.

جدول شماره ۲: فراوانی انواع کنش گفتارها در استنادات قرآنی کتاب «خلدبرین»

ردیف	اظهاری (assertive)	تحریکی یا ترغیبی (directives)	التزامی یا تعهدی (commissives)	ابرازی یا عاطفی (expressives)	اعلامی یا اعلانی (declarations)	جمع کل
تعداد	۳۴	۷	---	---	---	۴۱
درصد	۹۲/۸۲	۰۷/۱۷	---	---	---	۹۹/۹۹

■ اعلامی ■ عاطفی ■ تعهدی ■ ترغیبی ■ اظهاری





نتیجه‌گیری

۱. همان‌طور که نشان داده شد، بیشترین نوع کنش‌های گفتاری در استنادات قرآنی کتاب «خلدبرین» با تعداد ۳۴ مورد، ۴۱ مورد با ۸۲/۹۲ درصد، از نوع کنش اظهاری است
۲. همان‌طور که بیان شد، اگر کنش‌های گفتاری یک متن بیشتر اظهاری باشد، نشانه‌ای از نوع متن و هدف نویسنده است.
۳. این نوع کنش در قرآن برای بیان حقایق و اطلاعات مهم استفاده می‌شود؛ برای مثال، آیتی که به توصیف، تأکید، گزارش دادن، و نقد کردن می‌پردازند، در این دسته قرار می‌گیرند.
۴. این کنش‌ها معمولاً در متون خبری، علمی، تاریخی و غیره کاربرد دارند که در آن‌ها نویسنده قصد دارد اطلاعات را منتقل کند و نظر شخصی خود را بیان نکند.
۵. از این رو مؤلف تاریخ کتاب «خلدبرین» سعی دارد تا بیشتر به تشریح و انتقال اطلاعات اوضاع زمانه خود بپردازد.
۶. اساساً تاریخ‌نگاری دوره صفویه از این قاعده مستثنی نیست و مورخان غالباً انتقال دهندگان اطلاعات و اخبار هستند تا تبیین‌کننده مسائل روز.
۷. همان‌طور که نشان داده شد، بیشترین کنش‌های غیرمستقیم به کنش‌های ترغیبی اختصاص داشت.
۸. این نوع کنش، برای تشویق یا ترغیب مخاطب به انجام یک عمل خاص به کار می‌رود؛ مثلاً، پیشنهاد دادن، شرط‌بندی کردن و پرسش‌های اعتراض‌آمیز می‌توانند جزء این دسته باشند.
۹. بنابر فراوانی کنش‌گفتارهای غیرمستقیم ترغیبی در بین کنش‌های گفتاری کتاب، مؤلف سعی داشته، به ترغیب مخاطبان در مسائل جامعه صفویه و به‌ویژه، مسائل نظامی بپردازد.
۱۰. درنهایت این دو نوع کنش گفتاری در قرآن کریم، به منظور راهنمایی و هدایت انسان‌ها به سوی درک بهتر مفاهیم الهی و ارزش‌های اخلاقی به کار گرفته شده‌اند. قرآن، از طریق کنش‌های اظهاری، حقایق و دانش را به مخاطب ارائه می‌دهد؛ درحالی‌که کنش‌های ترغیبی برای تشویق به انجام کارهای نیک و پرهیز از کارهای بد به کار می‌روند؛ از این رو، هنگامی که این دو نوع کنش گفتاری در استنادات متون دوره صفویه، با تأکید بر کتاب «خلدبرین»، استفاده می‌شود، هدف نویسنده را نشان می‌دهد. به تعبیر دیگر، این دو نوع کنش در تعامل با یکدیگر، یک سیستم آموزشی کامل را ایجاد می‌کنند که هم دانش و هم انگیزه را برای مخاطبان فراهم می‌آورد.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم، مترجم، ناشر.
۱. آرام، محمدباقر (۱۳۸۶). «اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی». تهران: نشر امیرکبیر.
۲. پاینده عظیمه و علی اکبر جعفری (۱۳۹۷). «اسکندریبیک ترکمان و آیه‌نگاری اش در عالم‌آرای عباسی»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال هشتم تابستان ۱۳۹۷ شماره ۳۰.
۳. دانشنامه جهان اسلام. ذیل واژه خلدبرین: <https://rch.ac.ir/article/Details/8711>.
۴. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. ذیل واژه شیخ جنید: <https://www.cgje.org.ir/fa/article/223469>.
۵. دست‌آموز، سعیده و محمدرضا محمدی (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر کنش‌های گفتاری غیرمستقیم با ساختار پرسشی بر روند گفت‌وگو از منظر زبان روسی»، دوماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۷ شماره ۱ (پیاپی ۲۹) فروردین و اردیبهشت.
۶. رازی، ابوالفتح (بی‌تا). «روض الجنان و روض الجنان فی تفسیر القرآن، تفسیری به زبان فارسی»، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
۷. سرل، جان آر (۱۳۸۷). «افعال گفتاری، جستاری در فلسفه زبان». تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. صفوی، کوروش (۱۳۸۷). «درآمدی بر معنی‌شناسی». تهران: سوره مهر.
۹. طبرسی، فضل ابن حسن (۱۳۶۰). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن». تهران: نشر ناصر خسرو.
۱۰. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۸). «تاریخنامه طبری»، ترجمه محمد بن محمد بلعی، تصحیح محمد روشن. تهران: سروش.
۱۱. عابدینی، جواد (۱۳۹۹). «سرل و علوم انسانی، تحلیل فلسفی واقعیت اجتماعی از دیدگاه جان سرل و پیامدهای آن برای علوم انسانی». قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. عبداللهی، محمدعلی (۱۳۸۴). «نظریه افعال گفتاری»، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، شماره ۲۴، صفحه ۹۱-۱۱۹.
۱۳. عربخانی، رسول (۱۳۹۱). «گزارش‌های عثمان پاشا: روایتی ایدئولوژیک از کشمکش‌های صفوی عثمانی»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، دوره ۱۳، شماره ۵۲ و ۵۳، شماره پیاپی ۵۳، مهر.
۱۴. غفرانی، علی و رضا محمدی و آسیه حسینی (۱۴۰۲). «تحلیل کنش‌های گفتاری در اسنادات قرآنی منابع دوره صفویه (مطالعه موردی تاریخ ایلچی نظام شاه)»، پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، بهار و تابستان، سال دوم، شماره ۲ (۲۹) صفحه - از ۱۰۹ تا ۱۲۷.
۱۵. قاسمی، علی و محمد بن‌شاخته (۱۴۰۰). «تأثیر عناصر کلامی در بینش و روش تاریخ‌نویسی دوره صفویه»، فصلنامه شیعه‌شناسی، دوره ۱۹، شماره ۷۴، صفحه ۱۰۵-۱۵۰.
۱۶. لاهیجی، علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین (۱۳۵۲). «تاریخ خانی شامل حوادث چهل ساله گیلان»، تحقق و تصحیح منوچهر ستوده. تهران: نشر بنیاد فرهنگ ایران.
۱۷. متولی، عبدالله (۱۳۹۱). «بازتاب رویکردهای مذهبی در مراسلات عصر صفوی»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال چهارم، شماره ۱۲.
۱۸. مهمان‌نواز، محمود و علی اعتصامی (۱۳۹۹). «تحلیلی بر رویکرد مذهبی تاریخ‌نگاری صفوی از جنگ‌های شیوخ صفوی؛ روایتی مقدس از جنگ‌هایی مقدس»، فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، دوره ۴، شماره ۳، پیاپی ۱۳، صفحه ۱۰۱-۱۲۲.
۱۹. نورگوا، نینا (۱۳۹۴). «فرهنگ سبک‌شناسی»، برگردان: احمدرضایی جمکرانی و مسعود فرهمندفر. تهران: انتشارات مروارید.
۲۰. واله اصفهانی، محمديوسف (۱۳۷۲). «خلدبرین: ایران در روزگار صفویان». تهران: چاپ میرهاشم محدث.

21. Austin, J.I. (1962) "How To Do Things With Words." The William James Lectures. delivered at Harvard University. OXFORD. AT THE CLARENDON PRESS.
22. Kemmerling, Andreas. (2002) Speech Acts, Minds, and Social Reality: Discussions with John r. Searle. Expressing an Intentional State." Studies in Linguistics and Philosophy, vol. 79, pp. 83. Kluwer Academic Publishers.



مطالعات ترجمه و روش
رضاندر

دوره دوم
شماره اول
پیاپی: ۳
بهار و تابستان
۱۴۰۲

References:

Holy Qur'an

1. Abdullahi, Mohammad Ali (1384 SH). Nazariyeh Af'al goftārī. Philosophical-Theological Researches, Number 24, Pages 91-119.
2. Abedini, Javad (1399 SH). Searle va 'Ulūm insānī, Taḥlīl falsafī wāqi'iyat ijtīmā'ī az didgā-e- John Searle va payāmad-ha ān baraye 'Ulūm insānī. Qom: Research Institute of Hawzah and University.
3. Arabkhani, Rasool (1391 SH). Gozārish-ha-e-Uthman Pasha: Rivāyati ideologik az kishmekishi-ha-e- Safavi-Uthmāni. Foreign Relations History Quarterly, Volume 13, Nos. 52 and 53.
4. Aram, Mohammad Baqir (1386 SH). Andishe Tārikhnigārī 'aṣr Safavī. Tehran: Amirkabir Publishing.
5. Austin, J. I. (1962). How To Do Things With Words. The William James Lectures, delivered at Harvard University. Oxford at the Clarendon Press.
6. DaštĀmoz, Saecda and Mohammad Reza Mohammadi (1395 SH). Barresi Ta'thīr konish-ha-e goftārī ghayri muštaqīm bā sāktār porsishī bar ravand goftogu az manzar Zabān Rusī, Bi-monthly Journal of Linguistic Studies, Volume 7, Number 1.
7. Encyclopedia of the Islamic world. Under the word: Khuld Barin: <https://rch.ac.ir/article/Details/8711>.
8. Ghasimi, Ali & Mohammad Benschakhte (1400 SH). Ta'thīr 'anāshir Kalāmī dar bīnīsh va ravesh Tārikhnafīsī dowreh Šafaviyeh. Shia Studies Quarterly, Volume 19, Number 74, Pages 105-150.
9. Ghofrani, Ali; Reza Mohammadi; Asiyeh Hosseini (1402 SH). Taḥlīl konish-ha-e goftārī dar istinādāt Qur'ani manābi' dowre Safavi (Muṭālī'e mawridi Tārikh Ilchi Nizam Shah). New Researches in the Field of Shia History, Culture and Civilization, Spring and Summer, Year 2, Number 2 (29), pp. 109 to 137.
10. Great Islamic Encyclopedia. Under the word: Sheikh Junaid: <https://www.cgie.org.ir/fa/article/223469>
11. Kemmerling, Andreas (2002). Speech Acts, Minds, and Social Reality: Discussions with John R. Searle. Expressing an Intentional State. Studies in Linguistics and Philosophy, Volume 79, pp. 83. Kluwer Academic Publishers.
12. Lahiji, Ali bin Shamsuddin bin Haji Hussein (1352 SH). Tārikh-khānī shāmil havādith chehel sāleh Gīlān. Annotator: Manouchehr Sotoudeh. Tehran: Farhang Iran Foundation.
13. Mehman Nawaz, Mahmoud & Ali Eitsami (1399 SH). Taḥlīl bar ruvīkard madh-habī Tārikh-nigārī Šafavi az jangi-ha-e-Shuyukh Šafavi; Rivāyatī muqaddas az jangi-ha-e-muqaddas. Quarterly Journal of Historical War Studies, Volume 4, Number 3, Series 13, pp. 101-122.
14. Mutavalli, Abdullah (1391 SH). Baztāb ruvīkard-ha-e madh-habī dar murāsīlāt 'aṣr Šafavi. Islamic History Studies Quarterly, Year 4, Number 12.
15. Nurgol, Nina (1394 SH). Farhang Sabk Shanāsī. Translator: Ahmad Rezaei Jamkarani & Masoud Farhamand Far. Tehran: Marvarid Publications.
16. Payandeh Azimeh and Ali Akbar Jafari (1397 SH). Iskanderbek Turkman va āyeh-nigārī-ash dar 'Ālam ārā-e- Abbasi. Research Journal of Islamic History, Year 8, Number 30.
17. Rāzī, Abul Fattouh (n.d). Rawḍ al-Jinān wa Rawḥ al-Janān fī Tafīr al-Qur'an-Tafīrī bi zabān farsī. Aṣṭan Quds Razavi Islamic Research Foundation, Qaimiyyeh Computer Research Center of Isfahan.
18. Šafavi, Korosh (1387 SH). DarĀmadi bar Ma'nashanāsī. Tehran: Suresh Mehr.
19. Searle, John R. (1387 SH). Af'al goftārī jastārī dar falsafē zabān. Tehran: Islamic Science and Culture Research Institute.
20. Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr (1378 SH). Tārikhnāmeḥ Ṭabarī. Translator: Muḥammad ibn Muḥammad Bal'ami. Annotator: Muḥammad Roshan. Tehran: Soroush.
21. Ṭabarī, Faḍl ibn Ḥasan (1360 SH). Majma' Bayān fī Tafīr al-Qur'ān. Tehran: Nasser Khosro Publication.
22. Valih Isfahani, Muḥammad Yusuf (1372 SH). Khuld Barin: Iran dar rūzigār Šafaviyān. Tehran: MirHashem Muhaddith Press.